

نیز شورای نگهبان است.

بنابراین علم فقه و علم حقوق هر چند از حیث منابع و هدف و وسعت قلمرو و دو علم متفاوت محسوب می‌شوند، لکن امروزه در نظام حقوقی کشور

ما ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با یکدیگر پیدا کرده‌اند.

((x))

یک کتاب در یک مقاله

مسیحیت و ادیان جهان:

راههای گفتگو با اسلام،

آیینهای هندو و بودایی*

نوشته:

هانس کونک، یوزف فان اس،

هاینرخ فون شتینکرون، هاینس بخت

(ترجمه انگلیسی توسط: پتر هاینگک)،

نیویورک، ۱۹۸۶

Christianity and the World Religions

Paths of Dialogue with Islam

Hinduism, and Buddhism

Hans Kung, Josef van Ess

Heinrich von Stietencron, Heinz Bechert

(Translated by: Peter Heinegg)

New York, 1986



هانس کونک در مقدمه کتاب می نویسد:

یک فرد مسیحی یا غیر مسیحی چه موضعی را باید نسبت به ادیان دیگر اتخاذ کند؟ اکنون که آفاق جغرافیایی و تاریخی «جهان دینی» به برکت سفرهای اکتشافی و دانش نو بنیاد تاریخ دین بسیار گسترش یافته است؛ این سؤال اهمیت بیشتری دارد. پیوستگی اجتماع عصر ما به گونه‌ای است که همواره با تعداد زیادی از پیروان ادیان دیگر سر و کار داریم. البته هنوز هم آگاهی ما از ادیان بسیار ناچیز است و اگر متخصصین را استثنا کنیم، باید بگوییم که اطلاع کنونی ما در مورد سایر ادیان جهان در سطح اطلاعاتی است که حدود پنجاه سال پیش در مورد سایر فرقه‌های مسیحی داشتیم. با وجود این عقب‌ماندگی باز هم باید امیدوار بود. خوشبختانه دوران جنگ گرم و سرد سپری شده و بشر امروزی با پشت سر نهادن دوران «همزیستی» به دوران «برای هم زیستن» روی آورده است و «جهانی‌اندیشیدن» در عصر حاضر به «مجمع کلیساهای مسیحی» محدود نمی‌شود. بلکه «مجمع ادیان بزرگ» را در نظر می‌گیرد. چهار فصل آغاز کتاب به «گفتگوی اسلام و مسیحیت» اختصاص دارد. در فصل اول سیر تحوّل آگاهی مسیحیان از اسلام مطرح می‌شود و نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه مسیحیان عصر حاضر - برخلاف گذشتگان خود - برای به دست آوردن اطلاعات درست از اسلام آمادگی دارند.

در آغاز این فصل «یوزف فان اس» می‌نویسد:

گرچه علاقه به پژوهش در باب اسلام به زمانهای دور باز می‌گردد. اما دستاوردهای آن همواره نادرست بوده و مطالبی که در باب اسلام ارائه می‌شود به دو سبب تکان دهنده است: (۱) به علت تعصب و جهت‌گیری پژوهندگان، به گونه‌ای که داوری را مخدوش می‌کند؛ (۲) به علت چهره وحشت‌آور و گریز دهنده‌ای که از این دین ترسیم می‌شود. هیچ‌کس از آیین بودا یا کیش هندو نمی‌ترسد؛ ولی ترس از اسلام عمومیت دارد. این ترس خاص این زمان و زائیده بحران نفت یا انقلاب اسلامی نیست، بلکه حتی در قرون وسطی و ابتدای عصر جدید، با مطرح شدن چیز ترس‌آوری مانند موج فتوحات در جنگهای صلیبی یا فتوحات ترکان عثمانی، علاقه همگانی به مطالعه در باب اسلام اوج می‌گرفت. در چنین فضایی به منظور فرو نشانیدن عطش همگانی، اطلاعات ناقص و شایعات بی‌اساس رشد می‌کند و به همین علت هنگامی که در آغاز قرن دوازدهم میلادی یک نویسنده به نام گبیرت اهل نوگنت (Guibert of Nogent) به گردآوری مطالبی نادرست از بافته‌های مردم کوچ و بازار پیرامون پیامبر اسلام اقدام کرد، در توجیه عمل خود چنین نوشت: «هنگام سخن گفتن درباره شخصیه که مورد علاقه ما نیست، استناد به سخنان سخیف اشکالی ندارد.»

اکنون دیگر وضع بدین منوال نیست: نویسندگان و متألهین عصر مابجهانی می‌اندیشند، همچنین «شورای واتیکانی دوّم» بیانیه معروفی پیرامون مسلمانان صادر کرده که متن آن معمولاً در جلسات افتتاحیه گفتگوی دینی بین مسیحیان کاتولیک و مسلمین قرائت می‌شود.

«هانس کونک» از جانب مسیحیت چنین پاسخ می‌دهد:

اسلام، پیامبر و قرآن را باید از درون و از دیدگاه یک مسلمان معتقد بررسی کرد و آموخت. در طول تاریخ غالباً اسلام به عنوان یک واقعیت مزاحم، تهدیدکننده و ترس‌آور برای جهان مسیحیت بوده است و در واقع، هنوز هم باگذشت ۲۰۰۰ سال از مسیح و ۱۴۰۰ سال از پیامبر، با آنکه مسیحیان با مسلمین همسایه‌اند (و به علت این همسایگی) بیشتر مسیحیان اسلام را پدیده‌ای نامطلوب می‌دانند و نویسندگان مشهور عصر ما تجدید حیات اسلام را یک نقطه عطف بد عاقبت برای تاریخ غرب معرفی می‌کنند.

باگذشت بیش از ۵۰۰ سال از ظهور پیامبر هنوز اروپای غربی اطلاع درستی از اسلام نداشت. سرانجام به سال ۱۱۴۲، راهب اعظم کلونی به نام پطرس محترم، با سفر به اندلس اسلامی و احساس نیاز به منابع مکتوب و معتبر، بنیاد یک رشته از بررسیها پیرامون اسلام را نهاد و در این رهگذر نخستین ترجمه قرآن به زبان لاتین را انجام داد. از این پس نیز تا ۵۰۰ سال دیگر، اروپاییان تصویری تحریف یافته و نادرست از اسلام

در ذهن خود داشتند و اسلام را دین پر از خشونت و دنیاپرستی و پیامبر را یک مدعی مجنون و دشمن مسیح می‌پنداشتند. در مقابل این تصویر وارونه، در یک تصویر خیالی دیگر مسیحیت را دین راستی، آشتی، دوستی و پرهیزکاری معرفی می‌کردند، و در واقع سلامت و تمامیت مسیحیت در برابر ادیان رقیب از طریق دروغ و تهمت تأمین می‌شد.

گرچه در اواخر قرون وسطی برتری مسلمین در علوم و فنون گوناگون برای اروپاییان به اثبات رسید، اما در دورهٔ رنسانس، علی‌رغم تلاش برخی از دانشمندان و دولتمردان اروپا، مقرر گردید که آثار مسلمین به فراموشی سپرده شود. هنگامی که در نیمهٔ اول قرن ۱۶ تهدید نظامی ترکان افزایش یافت، متن عربی قرآن که در ونیز چاپ شده بود، قبل از انتشار، به فرمان پاپ سوزانده شد؛ از سوی دیگر لوتر رهبر نهضت اصلاح دین، خواهان ترجمه و انتشار قرآن بود، تا (به قول او) مردم بدانند یک کتاب باطل و نفرت‌آمیز چه مطالبی را در بردارد. با فرارسیدن عصر روشنگری در قرن ۱۸ و پدید آمدن دوران بردباری، نویسندگان اظهارات ارزشمند و بی‌طرفانه‌ای در باب اسلام داشتند. سرانجام در قرن ۱۹ با اوج گرفتن شرق‌شناسی، آثار گرانمایی در باب پیامبر، قرآن، فرهنگ اسلامی و عیسی در قرآن منتشر شد. تا چند دههٔ پیش کلیسای کاتولیک هیچ‌گونه رستگاری را بیرون از «کلیسای مقدس کاتولیک رومی» ممکن نمی‌دانست. اما «شورای واتیکانی دوم» در بیانیهٔ خود به سال ۱۹۵۳ پس از پذیرفتن امکان نجات بخشی سایر ادیان آسمانی، دربارهٔ مسلمین اینگونه اظهار نظر کرد: «همچنین نجات خداوند شامل حال کسانی خواهد شد که آفریدگار را قبول دارند، مخصوصاً مسلمانان که به دین ابراهیم اعتراف می‌کنند و همراه با ما خدای یکتا را که داور آدمی در واپسین روز است، مورد ستایش قرار می‌دهند. (مادهٔ ۱۶)»

پیامبر اسلام حتی از دیدگاه بنیادگراترین مسیحیان با پیامبران بنی اسرائیل شباهتهایی دارد:

۱- مانند پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر اسلام ولایت خود را نه بر یک منصب اجتماعی، بلکه بر ارتباط شخصی و ویژهٔ خود با خدا استوار نمود.

۲- مانند پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر اسلام اراده‌ای قوی داشت و خود را تحت تأثیر پیام درونی می‌دید و تسلیم پیام الهی شده بود.

۳- مانند پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر اسلام میان یک بحران دینی و اجتماعی قیام کرد. وی با پارسایی شدید و مواضع انقلابی خود در مقابل طبقهٔ ثروتمند حاکم و سنتهای مورد حمایت آن گروه ایستاد.

۴- مانند پیامبران بنی اسرائیل، مانند پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر اسلام که خویشتن را معمولاً یک «هشدار دهند» (نذیر) می‌نامید، خود را فقط سخنگوی خدا (و نه از جانب خود) معرفی می‌کرد.

۵- مانند پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر اسلام با جدیت تمام از خدای یکتا که هیچ شریکی ندارد و آفریدگار و داور مهربانی است، تجلیل می‌کرد.

۶- مانند پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر اسلام بر اطاعت مطلق از خدای یگانه و سرسپردن و تسلیم به او تأکید می‌کرد (اسلام در لغت به معنای تسلیم است). همچنین مردم را به سپاسگزاری از خدای متعال و بزرگواری و ورزیدن در برابر هموعان فرا می‌خواند.

۷- مانند پیامبران بنی اسرائیل، پیامبر اسلام توحید را با انسان‌دوستی پیوند داد و ایمان به خدا و روز داوری را با عدالت اجتماعی مرتبط ساخت: او ستمکاران را از جهنم می‌ترساند و به درستکاران نوید بهشت می‌داد.

در فصل دوم موضوعات اجتماعی و سیاسی اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد و مسیر تاریخی خلافت تحلیل می‌شود. در این فصل نقاط قوت جامعهٔ اسلامی همچنین مشکلاتی که در رابطه با اجرای قوانین اسلام در جامعهٔ جدید به وجود می‌آید مطرح شده است.

در فصل سوم عرفان اسلامی با عرفان مسیحی مقایسه می‌شود و جنبه‌های مشترک (مانند محبت)، همچنین امتیازات هر یک از آنها عرضه می‌گردد.

در فصل چهارم مسیح و مسیحیت در اسلام و قرآن بررسی شده است. در این فصل «برابری مسیح و پیامبر اسلام» مورد توجه قرار گرفته و انکار مسائلی مانند «فدا شدن مسیح» و «پسر خدا بودن» او در مسیر همین برابری دانسته شده است.

نقاط مثبت و منفی روابط مسلمانان با مسیحیان و بردباری دینی در اسلام نیز مورد بحث قرار گرفته است.

۱- محمد و قرآن: وحی و نبوت

الف) یوزف فان اس: چشم انداز اسلامی

یک ترسیم غلط و اثرات آن؛ موقعیت زمانی به عنوان شاخص ارزش؛ محمد «نبی عربی»؛ شکل و محتوای وحی جدید؛ هجرت به مکه؛ ماهیت نبوت محمد؛ مفهوم الهام؛ اعجاز قرآن؛ تمجید پیامبر

ب) هانس کونگ: پاسخ مسیحی

از جهل [به اسلام] تا سرسختی تا بردباری؛ اسلام: راهی به رستگاری؛ قرآن: کلام خدا؛ یک وحی بیرون از کتاب مقدس؛ کلام الهام؛ از نقد کتاب مقدس تا نقد قرآن

۲- سنی و شیعه: دولت، حقوق و دین

الف) یوزف فان اس: چشم انداز اسلامی

یک موفقیت در تاریخ جهان و کمبودهای آن؛ چهره‌های گوناگون تاریخ؛ قانون و اعمال ولایت؛ سنت و روش حقوقی؛ قانون خدایی، دولت عرفی و وجدان فردی؛ احکام بنیادین اسلام؛ معانی باطنی احکام

ب) هانس کونگ: پاسخ مسیحی

یک آیین کهن برای عصر جدید؛ یک نمونه قرون وسطایی دین؛ مشکل ارتباط و اتحاد؛ راه سوم: دین در جامعه عرفی؛ تلاش برای اصلاح درونی اسلام؛ آیا بنیادگرایی اسلامی می‌تواند پایدار بماند؟؛ مسئله دین دارای قانون؛ احکام الهی برای خاطر بشریت؛ تلاشهایی برای نقد قانون میان مسلمانان

۳- تصوّر خدا و عرفان اسلامی، تصویر انسان و جامعه

الف) یوزف فان اس: چشم انداز اسلامی

برتری توحید؛ خدا به عنوان پروردگار مهربان؛ مفهوم حبّ (عشق) در عرفان اسلامی؛ طبیعت همچون آینه قدرت الهی؛ قدرت الهی و آزادی بشر؛ اتحاد جسم و جان در آدمی؛ جامعه مؤمنان برابر برای اسلامی و حدود آن

ب) هانس کونگ: پاسخ مسیحی

زن در اسلام؛ چهره‌های مشترک ایمان به خدای یگانه؛ فعالیت الهی و آزادی بشر؛ قضای ازلی و زندگی جاوید؛ اروس و آگاپه؛ ریشه‌دار بودن محبت مسیحی؛ امکان وجود معنی در رنج بیهوده؛ خدای محبت

۴- اسلام و ادیان دیگر: عیسی در قرآن

الف) یوزف فان اس: چشم انداز اسلامی

آیا مسلمانان برای گفتگوی دینی آماده‌اند؟؛ عیسی در قرآن؛ روح (القدس)؛ یهودیت و مسیحیت در تاریخ رستگاری اسلامی؛ یهودیان و مسیحیان در قرآن و حقوق اسلامی؛ رفتار عملی با اهل کتاب؛ «بردباری» درونی و برونی؛ تغییر مذهب و فعالیت میسیونری خلاصه: قوت و ضعف اسلام

ب) هانس کونگ: پاسخ مسیحی

چهره مسیح در قرآن؛ تثلیث یک مانع جدی؛ انتقاد مسلمین از تثلیث؛ اشتیاق به تعریف؛ پسر داشتن خدا به چه معناست؟؛ عنصر مسیحی و ویژه؛ عیسی به عنوان بنده خدا پیرامون چه چیز باید سخن گفت؟؛ محمد «فقط هشدار دهنده‌ای آشکار»